پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پنجاهم) دوشنبه ۱۲ حوت ۱۳۴۷ هـ - ۳ مارچ ۱۹۶۹

د مارچ داتمی نیټی

د نړی د ښځو د نهضت او پیوستون بین‌المللی ورځی په مناسبت

درنو مینډ، خویندو: د افغانستان نجیبو ښځو!

د افغانستان د خلک دموکراتیک قوت، د مارچ د اتمی بین‌المللی ورځی د ښځو د جهانی نهضت او د نړی د تولو ښځو پیوستون د ورځی په مناسبت، د زړه له کومی مبارکی وایی او د کار، تحصیل او کورنی ژوند دگر کی د سیاسی، اقتصادی، اجتماعی او حقوقو او آزادیو په خاطر د مبارزی لپاره ستاسو د توفیق آرزو لری.

باید په یاد ولرل شی چی د نړی ښځی هر کال د مارچ اتمه ورځ د خپل پیوستونو د ورځی په عنوان لمانځی. مونږ هیله لرو چه د افغانستان تولی ښځی له دی ورځی سره آشناشی او په ممنو شرایطو کی دا جشن ولمانځی.

د افغانستان پوه ښځی ښی پوهیږی چه دافغانستان نجیبی او زیار استونکی ښځی دافغانستان په کلیو او ښارونوکی په څه سختو فردی او اجتماعی قرون وسطایی شرایطوکی ترسترورنځونو لاندی ژوند کوی.

(۴ مخ)

به مناسبت روز بین‌المللی هشتم مارچ

روز جشن و همبستگی زنان جهان

مادران و خواهران ارجمند ما، زنان نجیب افغانستان!

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان روز بین‌المللی هشتم مارچ ، جشن جهانی زنان، روز همبستگی تمام زنان جهان را به شما از صمیم قلب تبریک می‌گوید و توفیق شما را در مبارزه به خاطر حقوق و آزادی‌های سیاسی! اقتصادی! اجتماعی و فرهنگی در کار و تحصیل و زندگی خانوادگی آرزومند است.

باید به خاطر آورد که همه ساله روز هشتم مارچ را زنان جهان به‌عنوان روز همبستگی خود جشن می‌گیرند. ما امیدواریم که تمام زنان افغانستان نیز با این روز آشنا شوند و در شرایط ممکن این جشن را برگزار کنند.

زنان آگاه افغانستان به‌خوبی می‌دانند که زنان نجیب و زحمتکش وطن در چه شرایط دشوار فردی و اجتماعی قرون وسطایی و باتحمل رنج‌های عظیم در شهر و ده زندگی می‌کنند.

(ص ۴)

ببرک کارمل

نباید از اعترافات آشکار به اشتباهات ترسید!

طبقات حاکمه افغانستان و تمام مرتجعین و مستبدین بنا بر گذشته سیاه و اعمال ضد ملی' ضد خلقی و ضد دموکراتیک خود و به خاطر حفظ منافع ستمگرانه خود ز انتقاد به‌طور آشتی‌ناپذیری وحشت دارند و در مقابل افشاگری که پرده از روی جنایات و فجایع آن‌ها برمی‌دارد بر خود می‌لرزند.

همچنان تمام اشخاص و محافل حاکمه و سازمان‌های سیاسی مربوط به طبقات حاکمه و حزب لیبرالی کشور و وابسته به امپریالیزم بنا بر ماهیت ارتجاعی و ضد توده‌یی خود اصل انتقاد و انتقاد از خود را بر مبنای مبارزه طبقاتی رد می‌کند و صلح و آشتی طبقاتی را توصیه می‌نمایند و درنتیجه موجب تعمیق انحطاط و فساد سیاسی در جامعه می‌گردند.

هکذا تمام سازشکاران و منحرفین و اپورتونیست‌های چپ و راست بخصوص چپروها و چپ‌نماها بنا بر اشتباهات روزافزون خویش از اصول اخلاقی جهان‌بینی عینی در هراسند و لجوجانه اصل انتقاد از خود را نقض و به‌صورت خطرناکی پایمال می‌کنند' هیچگاه به خطاها و اشتباهات زیان‌بخش خود اعتراف نمی‌کنند. از موضع نادرست خویش خارج نمی‌شوند و مشی خطا و انشعاب گرانه خود را اصلاح نمی‌کنند.

جالب است که عناصر و محافل چپرو و چپ‌نما کشور درحالی‌که خود هر روز زیر بار اشتباهات در لجن زار اپورتونیزم و خیانت فرو می‌روند از چوکات انتقاد اصولی سالم و علمی خارج شده‌اند و طبق دستور و نقشه‌های تفرقه آمیز خود در عرصه ملی و بین‌المللی با پست‌ترین جناح ارتجاع امپریالیزم در عمل متحد گردیده‌اند' عوض انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات عظیم خویش مبارزه آشتی ناپذیر را علیه نیروهای اصیل و پیشتاز دموکراتیک خلق افغانستان و قدرت پیشاهنگ انقلابی و پاسبان صلح جهانی به‌پیش می‌برند و به آنان دشنام می‌دهند.

زیرا آن‌ها چنین تشخیص داده‌اند که دشنام سیاسی همیشه روی عدم اصولیت ایدیولوژی' بیچارگی و ضعف و سستی- ضعف و سستی فوق‌العاده دشنام دهنده سرپوشی می‌گذارد.

در تاریخ جنبش انقلابی جهان عملیات زشت و پلید دشمنان ایدیولوژی بیشتر و چیز تازه نیست' ولی در وضع کنونی جهان این پدیده زیان‌بخش و خطرناک بدین جهت اهمیت پیدا کرده است که ارتجاع و امپریالیزم بین‌المللی با سیاست ارتجاعی قدیمی خود' با نقاب جدید و با دستگاه جهنمی خود همراه با تمام نیروی مادی و معنوی با صدها ملیون دالر پول به میدان آمده و با سیاست چپرو ها و چپ‌نماها و شعارهای "چپ" دروغین در عمل باهم متحد گردیده و علیه شعارهای چپ واقعی و آزادی بخش در مبارزه غیرعادلانه‌اند. باید خاطر نشان سازیم که در اپوزسیون ضد استبداد و ضد ارتجاع در میان چپرو ها نیز هستند نوجوانانی که در اظهار تمایلات ملی و انقلابی خود صادق‌اند' ولی متأسفانه بنا بر خصلت خرده بورژوازی و عدم تسلط کافی به تیوری مبارزه و فقدان تجربه سیاسی دچار گمراهی و اشتباهاتی شده‌اند که نمی‌توانند از طریق انتقاد و انتقاد از خود به تصحیح اشتباهات خویش تصفیه کنند.

این‌ها باید بدانند ...عاقل آن کسی نیست که اشتباه نمی‌کند' چنین کسانی یافت نمی‌شوند و ممکن نیست یافت شوند. عاقل کسی است که اشتباهاتی را که چندان مهم نیست مرتکب می‌شود و می‌تواند آن را به‌آسانی و به‌سرعت رفع نمایند. لذا ما با یک جمله صادقانه به این رفقای جوان خود میگویم که هنوز هم می‌توان به‌آسانی اشتباهات خود را رفع کرد و به گمراهی خود پی برد و از راه کاملاً اشتباه آمیز به راه ایدیولوژی

(ص ۲)

استفاده‌های سو از معافیت‌های گمرکی

هرگاه به احصاییه‌های رسمی وزارت صادرات نظر انداخته شود، با وصف اینکه نمی‌توان راجع به صحت ارقام ارایه شده، بخصوص برای وزارت ایقان داشت، اما به وضاحت معلوم می‌گردد که واردات به‌تناسب بزرگی بیشتر از صادرات کشور است که در اینجا سعی می‌شود صرف بالای یک نکته روشنی مختصری انداخته شود و آن اینکه احصاییه‌های رسمی واردات فقط شامل آن اقلامی است تحت محصول گمرکی میایند و حالان که واردات از طریق قاچاق و واردات معاف از محصول گمرک رقم درشتی را تشکیل می‌دهد که اگر آن هم حساب گردد، نابرابری صادرات و واردات کشور به‌طور وحشتناکی جلوه گر خواهد شد.

به همگان معلوم است که اکنون تقریباً به‌اندازه واردات رسمی ، اموال مصرفی از طریق سرحدات شرقی، جنوبی و غربی کشور وارد خاک افغانستان می‌گردد که شامل احصاییه‌های رسمی واردات نیست و همچنین بعضی اموال مصرفی پروژه‌های که به ،، کمک،، کشورهای امپریالیستی ساخته می‌شود، واردات سفارت خانه‌های خارجی، واردات بعضی از وزارت خانه‌ها، واردات اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده امریکا در افغانستان و نمایندگی‌های دیگر سیاسی و فرهنگی کشورهای سرمایه‌داری ، مشاورین غربی و غیره همگی از اجناس معاف از محصول گمرک هستند که اگر اندازه آن‌ها به‌درستی تعین گردد رقمی را تشکیل خواهد که برابر به واردات از طریق گمرکات و یا بیشتر از آن خواهد شد. به‌طور مثال برخی از سفارت خانه‌های خارجی و بخصوص سفارت ایالات متحده امریکا و المان غربی سالانه مقادیر زیاد اموال ممنوعه را از قبیل مشروبات و غیره وارد کرده قسمتی را به فروش می‌رسانند و قسمت بیشتر دیگر را جهت استفاده‌های گوناگون و رسوخ در دستگاه دولت ،هدیه، می‌دهند که چنین ، هدایا، کنون بیشتر شکل فاسد کننده را به خود گرفته است.

نمایندگی‌های سیاسی و به‌اصطلاح فرهنگی کشورهای امپریالیستی و در رأس آن‌ها اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده امریکا در افغانستان نیز مقادیر زیاد اموال مصرفی گوناگون را معاف از محصول گمرکی به اسم ضرورت برای مشاورین و متخصصین خویش وارد کرده و به عناوین و طرق مختلف از قبیل لیلام های پیهم و غیره بفروش می‌رسانند. همچنین مقادیر زیادتر مشروبات الکولی و سایر اموال به بهانه رفع حوایج اتباع کشورهای امپریالیستی در مغازه‌های فروش نمایندگی‌های آنان بنام ،، کمیساری،، عرضه و به بازارها راه می‌یابد. نمایندگی‌های

(ص ۴)

صد هزار یا ملیون‌ها

بشاغلی صدراعظم در اجتماع اهالی ولسوالی نادعلی ضمن بیانیه گفت.،، ... به‌صورت عمومی امروز بیش از صد هزار نفر در سر تا سر مملکت انتظار گرفتن زمین را دارند که نمی‌شود با این زمین محدود نیازمندی‌های شان را به‌آسانی رفع نمود. لیکن حکومت سعی خواهد کرد تا از زمین و منابع طبیعی به نحوی استفاده به عمل آید که حد اعظم بهره برداری گرفته شود و مشکلی که از این رهگذر موجود است تا حدی مرفوع گردیده، از یکطرف برای مردم تسهیلات فراهم شود و از جانبی هم در تولیدات زراعتی مملکت تزیید به عمل آید...،، انیس ۷ جدی ۱۳۴۷...

در این سخنان شاغلی صدراعظم دو نکته مهم قابل تأمل است، کی تعداد کسانی که منتظر گرفتن زمین اند و دو دیگر ،، محدودیت زمین،، در مورد نخست، یعنی راجع به تعداد کسانی که منتظر گرفتن زمین هستند و شاغلی صدراعظم عده‌شان را ،،صد هزار نفر،، قید کرده‌اند، خوبست قبل از همه توجه خوانندگان ارجمند را به این احصاییه ها جلب کنیم، از جمله ۳۷ اشاریه ۱۱ ملیون نفوس روستای کشور ،،۶،،فیصد یعنی

۲۵ اشاریه ۱ ملیون خانواده دهقانان کشور مستأجر بی‌زمین اند، و در بدترین شرایط زندگی در فقر و بدبختی و در زیر فشار اختناق آور استثمار جهنمی ارباب فیودال و ملاکان بی‌رحم و صاحبان اراضی نامحدود بسر می‌برند و هر آن به پرتگاه مرگ و نابودی کامل نزدیکتر می‌شوند.

با این حال تنها این،، صد هزار نفر،، را می‌توان متناسب به تعداد کسانی دانست که بار از لطف دستگاه حاکمه افغانستان برخوردار بوده‌اند باز هم به‌امید دستاوردهای تازه‌یی از این خوان یغما، درخواست‌های برای گرفتن زمین به حکومت تقدیم کرده‌اند و انتظار دارند که بار دیگر با ارایه اسناد خود را ،، مستحق‌تر،، از دیگران جا زنند. اگر احیاناً این عده هم به گفته شاغلی صدراعظم واقعاً نیازمند و مستحق باشند. در ردیف ملیون ها دهقان بی‌زمین، ستمکش و اسیر پنجه‌های خونین ملاکان فیودال، وابسته به زمین و فاقد تمام حقوق و آزادی‌های مدنی مشت ناچیزی را تشکیل می‌دهند که اگر به رفع نیازمندی‌های شان هم پرداخته آید ، جای آن دارد که بگویم،، با این یک گل بهار نمی‌شود.،،

دو- دیگر موضوع محدود بودن زمین است. به کمال جرأت می‌توان گفت که همین زمین زراعتی موجود در کشور کم و محدود نیست. احصاییه‌های رسمی حکومت گواهی می‌دهد که دهقانان متوسط و مرفه‌الحال که هشت فیصد نفوس روستایی کشور را تشکیل می‌دهد، هریک برابر به بیست خانواده دهقان کم زمین صاحب اراضی زراعتی‌اند و ملاکان بزرگ فیودال که فیصدی ناچیز از اهالی روستایی وطن ما را احتوا می‌کنند هر یک از آن‌ها الی پنجاه هزار جریب زمین دارند و موجود است در آن تمام حوزه اداره یک ولسوالی در تصرف چند خانواده محدود فیودال می‌باشد.

توجه کنید، تقسیمات اراضی به ترتیب فوق در کشور ما چقدر ظالمانه است! آیا فکر نمی‌کنید که اگر زمین‌های موجود زراعتی کشور به اساس یک پلان دقیق و به‌طور عادلانه بین دهاقین بی‌زمین کشور توزیع گردد، هیچ فردی از آن‌ها بی‌زمین نخواهد ماند؟ مسلماً چنین است!

در غیر آن هرقدر به پهنای زمین‌های زراعتی افزوده گردد، نه دهاقین بی‌زمین – این نیازمندان واقعی و مستحقین حقیقی، صاحب زمین خواهند شد و نه از زمین‌های موجود به نفع خلق فقیر و ناتوان کشور بهره به دست خواهد آمد.

ما ایمان کامل داریم که تا دست ملاکان فیودال- این‌های سیری ناپذیر، از گریبان دهقانان استثمار زده و ستمکش کشور کوتاه نشود و زمین به کسی که آن را کشت می‌نماید و از دل تیره و سرد آن مایه زندگی بیرون می آرد، تعلق نگیرد هر نوع کوشش برای گسترش زمین‌های زراعتی و بهبود وضع زراعت، باد پیمانه کردن است و هرگز گرهی از مشکلات دهاقین بی‌زمین این اکثریت مظلوم ولی زحمتکش و مستحق کشور، نخواهد گشود.

بنا بر آن به عقیده ما، چاره اساسی این است که هر چه زودتر اصلاحات دموکراتیک اراضی بر اساس منافع دهقانان و به اشتراک آنان صورت گیرد و به استثمار و بهره کشی از حاصل دست و دماغ آنان خاتمه داده شود.

هذا نشریه را اهدا به آنهایکه از پرچم نگذشته اند

شرعی جوزجانی

-۲-

حقوق مأموران پایان رتبه پایمال می‌شود!

اصولنامه های استخدام مأمورین ملکی، مستخدمین و اجیران باید تعدیل گردد

که شخص صاحب اعتبار و جایدادی، در مورد محل سکونت ، راستکاری و صداقت اجیر در اجرای خدمت می‌دهد و تعهد می‌نماید که در صورت بروز ،، خلاف رفتاری ، او را به دایره مربوطه تسلیم نماید. بعداً مدیریت یا مالک قریه محل اقامت، جایداد و شهرت شخص ضمانت کننده را تصدیق بنماید، هرگاه استخدام اجیرانی که به حیث معتمدین گماشته می‌شوند مستلزم ضمانت باشد (طوری که در ماده ۳۹ قید گردیده) این قید در مورد سایر اجیران همانطوری که گفتیم یک شرط توهین آمیز و غیرضروری و نمونه زنده از بوروکراسی رسوای دستگاه اداری افغانستان است.

باوجود شرایط دشوار استخدام مقررات مبنی بر تبعیض و شکلیات رنج آور بوروکراتیکی که اساس اصولنامه مستخدمین و اجیران را تشکیل می‌دهد، این کارمندان (اجیران و مستخدمان) نظر به‌حکم اصل ۹۳ اصولنامه مأمورین ملکی حق ندارند از امتیازاتی که برای مأموران تعین گردیده، استفاده کنند. از همه جالبتر اینکه بر طبق حکم ماده ۳۶ اصولنامه اجیران و مستخدمین ،، محاکمه اجیران و تطبیق جزا بالای آن‌ها در کافه جرایم تابع احکام اصولنامه محاکمات مأمورین می‌باشد،، اکنون که مخارج زندگی به‌صورت سرسام آور بالا می‌رود ، باید از راه افزودی معاشات و تأمین شرایط مساعد ترفیع برای کارمندان حداقل شرایط زندگی آنان تأمین گردد و تا حدود پیشرفت هزینه زندگی جبران شود.

از نخستین افزودی معاشات مأموران (که بیش از ۵۰ فیصد نبوده) و افزودی معاش کارگران رشته‌های مختلف (که بیش از ۱۵ فیصد نبوده) بیش از شش سال می‌گذرد. در طول این مدت طوری که شاخص‌های قیم بازار نشان می‌دهد، قیمت مواد غذایی به‌طور قابل ملاحظه‌یی بلند رفته، اما دولت هیچگونه تضمینی در مورد تجدید نظر بر مقدار معاشات نگرفته و حتی از عملی نمودن وعده چند سال قبل خود مبنی بر افزایش معاشات تا ۱۰۰ فیصد نیز ابا ورزیده است. همین اکنون نیز حقوق ثابت و مسلم یک تعداد زیاد مأموران، اجیران و مستخدمان پرداخته نشده و حق ترفیع عده زیادی از مأمورین بی‌دفاع و پایین رتبه لگد مال گردیده است. تجاوزی که از این رهگذر بر حقوق کارمندان دولتی و غیردولتی صورت می‌گیرد، موجب عدم رضایت آنان گردیده و موجی از خشم و اعتراض آنان را برانگیخته است.

۳- تقاعد:

معاش تقاعد که در مورد مأمورین رسمی اجرا می‌شود پر از نواقص اساسی گوناگونی است که نمی‌تواند مورد قناعت متقاعدین واقع گردد.

(ص ۳)

سیاست مترقی به‌مثابه علم و هنر

استراتژی و تاکتیک‌های سیاسی

یکی از عوامل مهم نیرومندی احزاب طراز نوین طبقه کارگر است که آن‌ها می‌توانند پالیسی خود را بر یک اساس علمی بنا نهند؛ زیرا قوانین عام اصول جهان‌بینی علمی تیوریک پالیسی آن‌ها را تدارک می‌بیند و بر اساس این اصول است که بر خورد شخص تاریخی به واقعیت عینی می‌تواند صورت گیرد.

بدین جهت ترقی خواهان پیشرو که مجهز با تیوری علمی‌اند در دفاع خلق کارگر فعالیت‌های خود را بر مبنای شناخت قوانین عینی تکامل اجتماعی و بخصوص بر اساس شناخت قوانین مبارزه طبقاتی تنظیم می‌نمایند. آرایش نیروهای طبقاتی را در هر وضع مشخص در نظر می‌گیرند و متوجه این امر هستند که شرط اولی و ضروری پیروزی مترقی در عصر حاضر جهان که شرایط و مختصات هر کشور باید در نظر گرفته شود.

ما در ذیل از مسایل عمومی مربوط به پالیسی احزاب مترقی را به‌مثابه علم و هنر (سیانس و آرت) مورد بحث قرار می‌دهیم.

پالیسی حزب مترقی، رهبری استراتیژیک و تاکتیکی آن علم و هنر است:

مجموع اعمالی که فعالیت‌های یک حزب ترقی‌خواه کارگری را تشکیل می‌دهد صورت خلق الساعه و از طرف رهبری حزب به وجود نمی‌آید، بلکه بیان مشخص مشی سیاسی است که از طرف حزب بر اساس تحلیل علمی مرحله معینی از مبارزه در وضع معین تنظیم گردیده است. در لسان سیاسی اصطلاحات تاکتیک و استراتیژی برای نشان دادن این مشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اصطلاح تاکتیک غالباً مشی سیاسی را برای یک مدت بالسنه در شرایط خاص و مشخص نشان می‌دهد، درحالی‌که استراتیژی بر آن خط مشی اطلاق می‌گردد که برای مرحله کامل تاریخی وضع گردیده باشد. ولی باید به خاطر داشت که در جنبش مترقی و کارگری قبل از ۱۹۱۷ اصطلاح استراتیژی عملاً استعمال نمی‌گردید و تاکتیک به معنی پالیسی کلی حزب به کار می‌رفت، بدین جهت با استعمال اصطلاح تاکتیک هم وظایف بالنسبه سریعاً تغیر پذیر رهبری در مبارزه طبقه کارگر (تاکتیک در معنی محدود آن) و هم وظایف که سرتاسر یک مرحله تاریخی کامل را دربر می‌گرفت نشان داده می‌شد. به‌طور مثال ، از تاکتیک به‌مثابه خط مشی سیاسی حزب برای تمام مدت آمادگی و به انجام رساندن انقلاب دموکراتیک صحبت شده است. اصطلاح استراتیژی فقط در برخی از آثار ذیل از ۱۹۱۷ برای نشان دادن مشی سیاسی حزب به کار رفته اما هنوز مفهوم تاکتیک کاملاً متمایز نشده بود.

فرق میان استراتژی و تاکتیک،،

جنبش مترقی و کارگری معاصر استراتژی را به معنی جهت یا هدف عمده جنبش طبقه کارگر در یک دوران مشخص تکامل اجتماعی یا به عبارت بهر معنی وظایف عمومی و عمده طبقه کارگر و حزب آن در نظر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر مشی استراتژی یک هنگامی مطرح می‌گردد که مسأله خط مشی عمومی حزب به‌منظور انجام وظایف عمده یک مرحله معین تاریخی طرح باشد و یا تناسب موجود نیروهای بین طبقات به حیث یک نقطه آغاز در نظر گرفته شود. در اینجاست که استراتژی از تاکتیک فرق می‌شود.

تعریف استراتژی به معنی تعریف عمده جنبش ۲ تشخیص دشمن عمده طبقاتی و به دست آوردن متحدین در مبارزه علیه این دشمن می‌باشد؛ اما تاکتیک پالیسی جاری حزب را تعین می‌نماید و برای یک مدت کوتاه‌تر بر اساس خط مشی عمومی حزب مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر تاکتیک‌ها عبارتند از مجموع اشکال ۲ متودها و وسایل به هدف عمده در شرایط مشخص. تاکتیک موضوعات زیادی را دربر می‌گیرد. اشکال مبارزه (اقتصادی ۲ سیاسی، ایدیولوژیک، غیر مسالمت آمیز یا مسالمت آمیز) با تلفیق اشکال گوناگون مبارزه، تهاجمی، تدافعی یا عقب نشینی، مصالحه و موافقه ها به‌منظور استفاده کردن از خصومت‌ها ، برخوردها و فراکسیون‌ها در کمپ دشمن ایجاد جبهه متحد با توده‌های غیر پرولتری و دیگران در انجام فعالیت‌های عادی روزمره حزب در امر آموزش و سازماندهی پرولتاریا و دیگر خلق کارگر، به‌منظور رهبری ایشان برای یک مبارزه انقلابی و به‌منظور نایل آمدن به هدف عمده جنبش طبقه کارگر. به عبارت و عمومی‌تر،، تاکتیک‌های مترقی در امر تلقین اشکال مختلف مبارزه در انتقال ماهرانه از یک شکل به شکل دیگری در ارتقای مداوم شعور توده‌ها و بسط ساحه فعالیت‌های دسته جمعی ایشان بکار بردی می‌شود.

(باقی دارد)

از (ص اول)

حقوق مأموران پایان رتبه ...

معطل قرار دادن و یا عدم اجرای درست معاش متقاعدین، استفاده از شیوه مردود کاغذ پرانی در طی خم و پیچ سلسله مراتب ، عدم تناسب معاش تقاعد و مخارج زندگی، فریاد اعتراض آمیز گروهی از مأمورین تهی دست متقاعد را که بهترین سال‌های زندگی خود را صرف،، کار،، در دستگاه دولت کرده‌اند، بلند نموده است. طومار شکایت آنان را تاکنون هیچ مقام مسئول نشنیده و به مطالبات مشروع شان هیچ کسی جواب قناعت بخش نداده است. بالعکس دستگاه حاکمه افغانستان یک عده از وابستگان طبقاتی خویش، مشتی از بوروکراتان بدنام و معلوم‌الحال را که در دوران مأموریت کاری جز اختلاس و دستبرد به دارایی عامه انجام نداده‌اند، با تخصیص صدها و هزاران جریب زمین در بهترین نقاط مملکت آنان را به فیودالان متنفذ و مقتدری مبدل کرده است.

برای هزاران نفر از مأموران غیررسمی ، قراردادی ، روز مزد باوجود آنکه مثلاً بر اساس اصل ۴۱ (اصولنامه مستخدمین و ۹ اجیران) معاش اجیران یک فیصد و از معاش مستخدمان دو فیصد وضع حساب خزینه تقاعد تحویل می‌گردد به کوچکترین حقی در زمینه اعتراف نشده است. در پهلوی این‌ها گروه عظیمی از کارکنان مؤسسات خصوصی نیز آینده خود را تاریک و مبهم می‌بینند و در صورتی که از کار اخراج گردند و یا کبر سن به سراغ شان آید هیچگونه تضمین از رهگذر دریافت حق تقاعد برای تأمین حیات خویش ندارند.

حدنصاب تقاعد (۳۰ سال خدمت) برای عده از مأمورینی که به خدمات دشوار و به مضر به صحت اشتغال دارند، زیاد است (مثلاً معلمان و یا دکتوران که با شعاع ایکس سر و کار دارند).

معاش تقاعد عده زیادی از مأموران سالخورده و یا خانواده‌های مأمورین متوفی خیلی ناچیز بوده، با افزایش روزافزون قیمت‌ها نمی‌توانند حد اقل زندگی را تکافو نمایند، مثلاً به بازماندگان مأمورینی که در اثنای مأموریت در اثر امراض و حوادثی که از سبب اجرای وظیفه نباشد وفات نمایند در برابر خدمت کمتر از پنج سال دو ماها معاش و در برابر خدمت تا ۱۵ سال به مقابل هر سال یک ماه معاش ، به یکبارگی به بازماندگان شان پرداخته شده و علاقه مأمور قطع می‌گردد (ماده ۷۴ اصولنامه استخدام مأمورین ملکی) و یا در صورتی که مقدار معاش ماهانه به هریکی از و بازماندگان کمتر از ده افغانی تصادف کند، نظر به سن شان پول استحقاقیه آن‌ها تا ۱۸ سالگی سنجیده شده، به یکبارگی عطا و علاقه‌شان قطع می‌گردد (ماده ۷۸ اصولنامه مذکور).

مقررات در این زمینه به حدی ضد انسانی است که حتی بازماندگان را از حقوق مسلم شان نیز محروم می‌سازد؛ مثلاً ماده ۸۲ اصولنامه قبل الذکر تصریح می‌نماید از چندین جهت مستحق معاش و رایت باشند، معاش همان جهتی که اضافه باشد برای آن‌ها داده می‌شود.

برای بازماندگان اجیرانی که در حین اجرای وظیفه حیات خویش را از دست می‌دهند، کوچکترین تضمینی در اصولنامه مربوط وجود ندارد. فقط اصل ۳۴ این بخشایش بی‌پایان را برای آنان روا داشته است. اجیرانی که در داخل خدمت فوت می‌شوند، کسانی که تا یک سال سابقه خدمت دارند یک ماه معاش و کسانی که تا سه سال سابقه خدمت دارند دو ماه معاش و کسانی که بیشتر از سه سال سابقه دارند، سه ماه معاش به‌طور بخشش به ورثه‌شان پرداخته می‌شود.

با این مقدار حق تلفانه و قانون شکنانه فقر سیاه چون دیو سهمگین بر خانواده‌های فقیر تهی دست هزاران تن از کارکنان سایه انداخته و حیات آنان را ترس از آینده مجهول دچار تشویش و اضطراب دایمی می‌سازد. این دستبردهای -ناجوانمردانه و ضد انسانی در چهار چوب خشک قوانین جزا به حقوق مأمورین و کارمندان مؤسسات زده می‌شود؟

برای آنانی که دستگاه اداری دوات افغانستان ماهیت ضد دموکراتیک و ضد ملی دارد و می‌خواهد کسرات بودجه خود را به‌حساب مأموران، اجیران و مستخدمان تلافی نماید.

باید در مورد مقررات مربوط به تقاعد نکات ذیل عملی گردد:

۱/ نصاب تقاعد برای کار دشوار و شاق و مضر به صحت و همچنان برای زنان از ۳۰ سال پایین آورده می‌شود.

۲/ مقررات تقاعد و پرداخت معاش تقاعد جامع بوده کارکنان تمام دوایر و مؤسسات دولتی و خصوصی را بدون استثنا دربر می‌گیرد.

۳/ به مقدار معاش تقاعد به‌تناسب مخارج زندگی و افزایش قیمت‌ها تحدید نظر شود.

۴/ کسانی را که به نام تقاعد از معاش مأموران پایین رتبه و متوسط وضع می‌شود ۲ لغو گردد.

۵/ خزینه تقاعد با حذف مصارف زائد و بیجا، به‌حساب دولت تقویه گردد.

(باقی دارد)

از (ص اول)

نباید از اعترافات ...

پیشرو طبقه کارگر دعوت کرد.

تجربه تاریخ احزاب پیشاهنگ طبقه کارگر می‌آموزاند که اگر یک عنصر مبارز و یک سازمان سیاسی نواقص کار خود را نادیده گیرد و از اعتراف به اشتباهات خود واهمه نماید و بترسد از اینکه به‌موقع و به‌صورت آشکار و صادقانه آن را تصحیح کند و خطاهای خود را پنهان نماید و اشتباهات خود را با تظاهرات دروغین بپوشاند' انتقاد و انتقاد از خود را تحمل نکند و به خود پسندی و خود خواهی تسلیم گردد و بر روی تاج افتخار خود بخواب رود' نه تنها نقش رهبری خود را نسبت به طبقه کارگر و عموم خلق اجرا کرده نمی‌تواند بلکه محکوم به فساد و نیستی می‌شود.

رفتار یک حزب سیاسی نسبت به خطاهای خودش یکی از مهمترین و درستترین مصدق‌های جدی بودن یک حزب و انجام وظایف در عمل و نسبت به توده‌های زحمتکش است. اعتراف آشکار خطا' تحلیل علل آن' تجزیه شرایطی که موجب بروز این خطا شده' بررسی دقیق وسایل اصلاح این خطا – اینست نشانه یک حزب جدی. اینست طریق اجرای وظایف آن. اینست راه آموزش و پرورش طبقه و سپس توده‌ها.

در اینجا حتماً سؤالی در نزد خواننده پیدا می‌شود که پس چرا ما این سلاح ثمر بخش انتقاد و انتقاد از خود را بکار نمی‌بریم و به خطاهای خود اعتراف نمی‌کنیم

ما باکمال صراحت اعلام می‌داریم که از هیچ انتقادی واهمه نداریم' زیرا حقیقت با ماست. صفت مشخصه که ما را از دیگر نیروهای سیاسی متمایز می‌سازد انتقاد اصولی و خلاق از خود است. چنانچه ما تاکنون چندین مرتبه به این کار اقدام کرده‌ایم' اشتباهات خود را اصلاح کرده‌ایم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد.

ما معترفیم که اشتباهات کوچک جبران پذیری را که از لحاظ اصول و احکام تیوری پیشرو و در انطباق به شرایط کشور و اوضاع و احوال سیاسی از لحاظ استراتیژی و جدی و مهم تلقی شده نمی‌تواند' مرتکب شده‌ایم. ولی تا حدود توان توانسته‌ایم خطاهای خود را به‌آسانی و به‌سرعت رفع نمایم و به مقصد اجتناب از اشتباهات آینده ۲ از اشتباهات گذشته پند گرفته‌ایم.

از آنجایی که وظیفه بزرگ ما خدمت به خلق است' اگر نواقص داشته باشیم از انتقاد دیگران نیز نمی‌هراسیم و اگر انتقاد اصولی و درست بر ما وارد گردد مطابق به آن خطاهای خود را اصلاح خواهیم کرد؛ زیرا به این امر معتقدیم که منافع ما تابع مصالح ملت و توده‌های خلق کشور می‌باشد و باید پیوسته برای صلاح اشتباهات خویش آماده باشیم' زیرا که اشتباه با منافع خلق در تضاد است.

ما معتقدیم که برای یک سازمان سیاسی که در راه‌های پر پیچ‌وخم و نامنکشف مبارزه و در اعماق جبهه دشمن به کشاف پیشتاز به‌پیش می‌رود' مشکل است که از اشتباه بر کنار بماند. ولی با وصف آن همین‌که اشتباهی روی دهد باید هر چه زودتر آن را تصحیح کرد' ما معترفیم که در پهلوی کارهای بزرگ و خلاق مرامی سیاسی' ایدیولوژیکی و سازمانی به‌مثابه نیروی پیشاهنگ جنبش مرتکب اشتباهات جزیی و جبران پذیر شده‌ایم که آن‌ها هم در جریان دو سال اخیر اصلاح گردیده است.

اشتباهات ما قبل از دو سال اخیر بیشتر ناشی از کمی تجربه سیاسی و ضعف درک عمیق علمی و تحلیلی شرایط جامعه ما' ضعف تیوری انقلابی و رهبری علمی' مبهم بودن هدف‌ها و مراحل و شعارهای استراتیژیک و تاکتیکی و شعارهای عملی برای این و آن بخش مشخص مبارزه روزانه و همچنان دیگر شرایط عینی و ذهنی بوده' که اکنون اغلب آن‌ها رفع و تصحیح گردیده است. درست که ما در زمره ده‌ها کار تیوریک و پراتیک و بیش از صدها مقاله و بیانیه‌های انقلابی و افشاء گرانه پارلمانی و خارج پارلمان ضد استبداد و ضد دموکراسی' ضد ارتجاع و امپریالیزم و دفاع از صلح' استقلال ملی' دموکراسی و ترقی اجتماعی و رفاه عمومی خلق و دفاع از حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک سیاسی و اجتماعی توده‌های عظیم خلق کشور در سه چهار بیانیه فی‌المجلس و ارتجالی در ولسی‌جرگه آن هم مربوط به بخش مشخص مبارزه روزانه " مثلاً در بیانیه انتقادی بالای بخشی از بودجه سال ۴۵ دولت و یا در دفاع از جریده مبارزه خلق در برابر توقیف توطیه آمیز و صد قانونی آن" مرتکب اشتباهات کوچک لفظی شده‌ایم. به این معنی که از یکسو در بیانیه‌های مربوط تا حدودی استناد ایدیالیستی و بی‌مورد صورت گرفته و یا در باره فلان مقام اضافی' بی‌مورد و طوری افاده شده و از سوی دیگر در عین بیانیه‌ها عوض مشی جاری دقیق روزمره به جناح دست راستی فلان مقام افغانستان' برای نخستین مرتبه در تاریخ چهار دهه اخیر از کرسی ولسی‌جرگه حمله نا به هنگام صورت گرفته که از لحاظ ظرافت سیاسی و موقف خاص آن مقام در اوضاع و احوال کنونی کشور این حمله در همان فضای معین و توطیه آمیز ارتجاع' اشتباه کوچک در مبارزه روزانه تلقی شده می‌توانست. یا همچنان داخل کردن صورت و شکل مشخص مبارزه در اخیر مرام نجات بخش و عمل تنظیم شده دموکراتیک خلق اشتباه بود که درنتیجه موجب سؤتفاهمات گردید' به این معنی که گویا ما یک شکل و صورت مبارزه را مطلق ساخته‌ایم. این نقیصه بعداً با قاطعیت تمام " در بیانیه رأی اعتماد بر حکومت اعتمادی صدر اعظم و نشرات پرچم" اصلاح گردید.

یا بکار بردن یک عده لغات و اصطلاحات غیرمعمول عوض لغات و اصطلاحات معمول و مترادف آن در کشور که وسیله تبلیغات ارتجاع و مخالفین علیه ما قرار گرفت' ولی اکنون اغلب آن لغات و اصطلاحات حتی از طرف محافل حاکمه و دیگر نیروهای اپوزسیون و مخالف حکومت نیز بکار برده می‌شود.

ما بنا بر حکم اصول' اشتباهات کوچک خود را علل رغم تأثیرات فوق‌العاده محدود و نامحسوس آن افشا و اصلاح کرده‌ایم. ولی اینک سخنی خطاب مخالفین نیروی دموکراتیک خلق افغانستان' قدر مسلم انست که آن‌ها به اعترافات شجاعانه ما زهرخند می‌زنند و دهن کجی می‌کنند. آن‌ها البته خواهند کوشید به‌وسیله فحش و دشنام' دروغ و تهمت زنی قسمت‌های کوچک از نواقص و ناسازی‌های ما را برای مقاصد پلید و نفاق افگنانه و فتنه‌انگیزانه خود مورد سو استفاده قرار دهند و واقعیات

(ص ۴)

داستان:

دوه جوالیان

ماسپښن ناوخته شوی و. په آسمان باندی دژمی وریځی پلنی وی او دواوری وړی دانی اورپنلی. یخ باد او د واورو خپرکی ییر له یوه خوا خوانه شړل دمنډی چال چلند سوډو او زیادتره دکانونه تړل شوی وو.

سهراب دیوه خلاص دکان خواته، ددوو پښو په سخک ناست و. یوه زړه شړی ترخان راتاوکړی وه اونر شړی لاندی، په شاباندی وتونه او را به ښکاریدل. دنور پنکی یمبوزک یی وهلی و او دهغه له چاودنه یی یوازی دوه ښکاریدلی.

هاخوا دسهراب مقابل مقابل لوری نه، دیوه تړلی دکان ترمخ، یوه بل زلمی جوالی دجوارو اندیوته تکیه وهلی وه. لاسونه یی ترنخر گونو لاندی نشه ایستی وو او دپوزی رنی اوبه یی په بریتونه باندی رابهیدلی. په سر وه او دسپخیدلیو دروزونو چاودونه یی نه لری څرګندوو. دیرکی بالاپوش یی دیر زړونه و.خو زیات خیرن شوی او کرغیرن شوی و. پیوندی کلوشی یی په پښو وی او شړیدلی پرتوګ نه یی دژنګنو سترګی راوتلی وی. پړی یی درلود خو په خمکه باندی ویښی وو او پرله پسی پوخیده. سهراب هغه سر تر پایه له نظر تیر که مکروبی نه پیژانده او نابلد ورنه ښکاره شو.

سهراب په همدی منډیی کی څلور کاله جوالونه چلولی وو مګر دا سړی یی هیڅکله نه وییدلی. دی په اوږدو فکرونو کی لاړ، ګوره دا سړی به څوک وی؟ ... دوه ورځی پخوا د ملا برات علاف څلور بوری وړه نه همدی منډیی نه ورک شول...خدا زده چا به وړی وی، که دی سړی وړی وی؟... نه نه دده رنګ غلو ته نه دی ورنه، دی هم ما غوندی یو هردم شهید سړی دی...موږ غریبان یو خو غله نه یو، غله نور دی.

کله چه سهراب دچرت له اوږدو پراوو نو څخه راو ګرزیده، وریازیاته شوی وه او دکار دپیداکیدونه ته وه. له ځایه راولاړ شو. خپله شړی یی په اوږو راسمه کړه او مخامخ نابلد جوالی ته ورغی. همدا چه ورنیږدی شو پی غږی که:

څنګه یی یاره!

مقابل سړی په داسی حال کی چه بریتونه یی دمسکا څپو وخوځول خواب ورکه:

جوړ دی یی آشنا!

څه نوهیږی؟

پردل!

ستا نوم څه دی؟

زما نوم سهراب!

دکوم ځای یی؟

دکرهباغ یم!

زه به نو څه درته ووایم! زه کچنی وم چه مور او پلار می په غوربند کی مړه شوی دی، زه هماغلته لوی شوم. خلکو ویل پلار دی له کومه بلی خوانه. دلته راغلی و. خدازده زما پلار به له کومی سیمی هلته په غریبی پسی راغلی و. خو خلک وای چه ښه سړی و.

سهراب وویل:

دپلار سریتوب به دی چه څه په کارشی دا وایه چه څه درته پری یښی دی که یه؟

خدای دی وبخشی، هیڅ ندی تری پاتی!

(ص ۳)

زندگی مرگبار هنرمندان

محروم وطن

دوشیزه پاکدل و وطن‌دوست شبی و برق محفل عروسی واقعیت دردناکی خلقی را انعکاس می‌داد. فردای آن شب ، شب به کرانه‌های سپیده نزدیک می‌شد، مهمانان شب زده در انتظار قدوم عروس و داماد دقیقه شماری می‌کردند. خواب چون مهمان ناخوانده به خانه چشمان همگان راه می‌کرد، ولی انحا دسته کوچکی از هنرمندان رنجبر در کار خوش و بیدار نگه‌داشتن دیگران خون جگر می‌خوردند. چهره غمزه و چشمان اندوه‌بار آنان به‌صورت آشکارا از زندگی درد انگیز آنان را افشا و از راز بیدار خوابی‌ها، گرسنگی‌ها پرده برمی‌داشت.

چشمان بی‌فروغ دو زن سال خورده حکایت‌های از زندگی درد آور در بیغوله‌ها، پس‌کوچه‌ها، خانه‌های بی آفتاب و نمزده باز می‌گفت. آنجا دوشیزه لاغر بلند قامت با نگاه‌های زننده شعله از نفرت و عصبانی ترا منعکس می‌کرد.

کودکان خورد سال که از بی‌خوابی و بی‌حالی چون شاخه‌های ناتوان بی‌اختیار از این‌سو بدانسو می‌خمیدند، انگشتان نازک شان را روی پرده‌های ساز می‌کشیدند و تصویر درد انگیزی از زندگی تاریک و سرد را به امواج فضا می‌سپردند،این‌اند هنرمندان.

گروهی که خون دل می‌خوردند تا آن دیگر آن را در خودنمای‌ها، خودفروشی‌ها و خود خواهی‌هایشان سرگرم نگهدارند.

به این دوشیزه توجه کنید،، او هنوز تلخی مرگ آرمان‌های کودکی‌اش را از یاد نبرده که احساس جوانی کرده است. او می‌داند که چه راه اندوه‌بار و تاریکی در پیشرو دارد، آینده مجهول، احساس تنهای، امیدهای مبهم و تلاش‌های گنگ بر قلب او فشار میاورد؛ و در چشمان عصیانگرش شعله انتقام می‌افروزد.

به این کودکان رحم کنید، آنان باید هنوز با بازیچه‌ها سرگرم باشند، باید بدوند، بخوشند، نور آفتاب بگیرند، به خواب‌های شیرین و عمیق بروند، بیاموزند و به سرحد کمال برسند. آنان را از جنگال بی‌رحم فقر برهانید، بگذارید این تازه نهالان درختان تنومند شوند تا شالوده نظامی را بریزند که در آن چهره وحشتناک حقارت و ذلت آدمی نابود شده باشد.

به این پیرزنان ملتفت شوید، آنان از جوانی خود جز خاطرات درد و رنج چیزی نیندوخته‌اند. گذشته را در تلخکامی، حال در نومیدی و فردا را در مرگ می‌بینند. آغاز و انجام زندگی ایشان داستانی‌ست که از تاریکی به تاریکی انجامیده و هرگز برقی از امید زندگی بخش در آن نتابیده است.

این بود آنچه از آن شب آموختم حاصل دردی که آموختم، این بود

په کندهارکی د ارغنداب

دشنو باغو تر شا دبزګرانو او باغوانانو غمځپلی ځیری

بناغلو دپرچم دجریدی چلونکوو!

له لزغونی کندهار څخه لاسونه درغځوم او له ځوانانو سره پرچم لوړوم.

په ی سیمه (کندهار) کی زاړه استعمار څو خواره داسی ګذارونه خوړلی وی چه لاتر اوسه یی ماغزه یه کرارندی. خو اوس نوی استعمار پدی سیمه باندی داسی مشکولی خښی کړیدی چه نه کجکی نه تر سیستانه اوله دهلی څخه تر ددوأوه پوری یی نښی له ورایه بنکاری.

له بلی خوا دفیودالیزم (بلا) دبزګرانو او کلیوالو ژوند دومره خراب کړیدی چه د وطنپال انسان له زړه څخه وینی ورته ځاځی؛ که سړی دسرپوزی دغره له سره دارغنداب شنه ناوه تر نظر تیرهکړی او ددی سیمی له اقتصادی او اجتماعی حالاتونه وی خبر تو خامخا به دافکر وکړی چه ددی سیمی خلک خورا نیکمرغه او بختور دی. مګر حقیقت دادی چه ددی کنړ باغوانو او ځمکو خاوندان دارغنداب دټولو خلکو په سلوکی پنځه تنه دی او په سلوکی پنځه نوی نور، بزګران، مزدوران او باغوانان دی. دازیار ایستونکی اکثریت دمړی ګیډی ډوډی، سمی جامی اوخپل نلری. دوی لوڅی یښی ګرزی او دارو درمل یی په عمر نه دی لیدلی.

ځومره میوی، غلی او نور حاصلات چه په کندهار کی دځمکی له ګیډی څخه راوزی دهماغه بختور اقلیت ګدامونو ته ورتویږی او کوم کسان چه دانعمتونه یی دزړه اومټ په زور تولید کړی دی. تش لاس کورته درومی.

بزګر چه ندی قادر شوی خپل پروسږ کلن یورونه اداکړی دراتلونکی کال أذوقی ته هم اړدی. دی بچیان لری، بنځه لری او کله لابدا پلار اوبدی مور هم لری، هغوی ژوندی دی او خواړه غواړی. نو اوس به دی څهکوی؟ ځی به دفیوډال لمن به نیسی او دهغه رحم او کرم ته به ګوری. ملاک چه پوهیږی بزګر خواریی دده له کدامه بله لار نلری، نو دغنمو من (دکندهار من) په شپیته افغانی ترکاله پی ماتکړی. کال ته بیا دغه حال دی او بزګر خوراکه او بواخیستی سړی وار په وار دبدمرغیو ژورونه ورنیږدی کیږی. څو کاله روسته نو بیادی دبزګر ندی مرنی دی.

دریګ خلک چه دسخت اوله زغمیدونکی فقر له کبله دکار لپاره دکندهار دأبادو سیمو لوری ته راځی هلته له امکان سره سم په شاړو او تروو ځمکو باندی کوډلی جوړوی. بی پناه خلک دځوځانو او وحشی بوټو په کوډ لوکی دکار دپیدا کولو په تمه له خپلو ماشومانو سره ددوړو او بارانونو مخی ته پراته وی.

یه دوی باندی سیمی ته نیږدی خانان بیګارونه چلوی باختیی یی کوی. او دا وضع دانګورو دټولولو بختور وخت راورسیږی، داخوراکیان تاک په تاک راګرزی او انګور ټولوی او پدی کارکی ددوی متوسطه مزدوری دورځی تر آور افغانیو نه زیاتیږی. داده دکندهار دزیاریستونکو دژوند واقعی بڼه چه دزاړه فیودالی نظام تر منګولو لاندی په سختو او له زغمیدونکو شرایطوکی شپی تیروی او په ډیره تندی دځمکی دلاس ته راوستو انتظار کالی.

(س)

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

مردم چاه آب اعتراض می‌کنند

«نظام مسلط فیودالی و ظالمانه‌ترین شیوه ملوک‌الطوایفی هنوز با تمام زشتی‌هایش در اکناف و اطراف کشور به زندگی ننگین خود دوام می‌دهد.

از پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان که یکی از هدف‌های عمده آن مبارزه علیه این نظام فرتوت است، آرزومندم که نبرد خود را جهت رهایی خلق افغانستان دنبال نماید و به اتمام نیرو علیه سیستم ارباب رعیتی موجود در کشور که زیرکانه می‌خواهد به سنگر بندی جدید دست بزند، مبارزه خود را توسعه بدهد.

در اینجا (در چاه آب) یک عده محدود و انگشت شمار متنفذین به همکاری مأموران فاسد از سال‌هاست که بر مال و هستی مردم مسلط شده‌اند. دموکراسی روزگار ما نیز در برابر اعمال ننگین شان ، که هر روز از روز گذشته بدتر شده می‌رود، مهر سکوت بر لب زده‌اند. یک عده از مأموران شریف که به غرض تحقیق مسایل گاهی به اینجا آمده‌اند و حقایق سرنوشت آنانی که به خاطر سرور دیگران خون جگر می‌خورند.

تصویری که من از یک محفل عروسی گرفته بودم، به تمام پرچم داران سپردم. ولی آزار می‌کشم که قلم ناتوان من نمی‌تواند رنج‌های را که عواطف من جذب کرده است، افاده کند؛ اما بر شماست که دردهای ناگفته را گویا کنید و در خدمت بیداری توده‌های رنجبر قرار دهید.

با تقدیم احترامات

خواهرتان (پلوشه)

پرچم: آنجا که اسمان را ابرهای سیاه پوشیده باشد برای اینکه شاهد درخشیدن برقی شویم باید باران‌های سهمگین را تحمل کنیم. در زیر همچو اسمانی هر شادی زود گذر به قیمت رنج‌های بیکرانی فراهم خواهد شد.

ولی آنجا که بادها موافق بگیرد و وجود اسمان را از ابرها پاک کند ۲ دیگر آفتاب طلایی بر همگان خواهد تابید.

راه غوربند حیات مردم را

تهدید می‌کند

به مراجع بالاتر دولتی سپرده‌اند، به‌صورت اسرارآمیزی بد نام شده و سال‌ها با دوسیه های که برایشان ترتیب شده است ۲ در دهلیزهای وزارت خانه‌ها سرگردانی کشیده‌اند. بعضی افرادی از قشر منور چاه آب جرأت کرده و اعمال ستمگرانه بی‌رحم محلی را به‌صورت مستند در جراید ملی منعکس ساخته‌اند. ام بجای آنکه این نوشته‌ها موجب تنبیه مقامات دولت و یا باعث جلوگیری اعمال ستمگران محلی شود، بالعکس موجب محاکمه، بازپرس و سرگردانی خود این نویسندگان شده است.

یکی از ستمگران محلی علاوه برین که از راه دسایس و جعل کاری‌ها صدها جریب زمین دهقانان کم زمین را تصاحب کرده است، تقریباً موازی ۲۰ هزار جریب زمین دولت را که قسماً شامل جنگلات پسته نیز می‌باشد، با دسیسه و جعلکاری به دست آورده است. قیمتی را که مشارالیه برای این اراضی وسیع پرداخته، بالغ به یک هزار افغانی شده است؛ و این زمین را به همکاری مجریان قانون از یک شخص مجهول گرفت. بعدها که مردم چاه آب نسبت محروم شدن از علفچر، کاری و پسته این قسمت به دولت عارض شدند، ثابت گردید که متنفذ مذکور با یک سند جعلی این اراضی وسیع را به دست آورده است. ولی دولت نه تنها او را در برابر این جرم بزرگ مجازات نکرد، بلکه هیچ اقدام هم در مورد استر داد اراضی به عمل نیاورد.

اکنون هر سالی که زحمتکشان و مردم فقیر چاه آب از پسته جینی برمی‌گردند، گماشتگان این مرد متنفذ سر راه شان می‌نشیند و پسته جمع آوری شده را با ایشان نصف می‌کنند.

مردم نجیب چاه آب ده‌ها بار علیه ستمگری‌های گوناگون او به فریادها، شکایت‌ها و عرایض دست زدند. ولی مراجع مربوط نسبت به خصلت طبقاتی خود به نظم و داد خواهی مردم وقعی نگذاشت و با سکوت خود زمینه مساعدتر برای سرکوب مردم زحمتکش این گوشه کشور فراهم کردند.

اینک در ذیل فهرستی از یک عده قضایای مربوط به همین شخص مقتدر:

۱- در سال ۱۳۲۵ مردی بنام خنجر بالای زمین خود کشته شد. وارثین وی همین مرد و خانواده‌ها و را قاتل گرفت؛ اما دوسیه آن تا کنون در تاق فراموشی قرار دارد.

۲- لت و کوب خیر محمد مشهور به خیر تولندی در سال ۱۳۲۷ که باوجود صدور احکام خیلی قوی، بدون بازخواست باقیمانده است.

۳- عرایض عبدالله بای، در مورد غضب املاک و قتل اسپ‌های وی.

۴- عرض حاجی محمد ظریف وکیل ۵۴ خانه دهاقین قریه در مورد اینکه حیات ویرا تهدید می‌کنند و بعد کشته شدن وی.

۵- تصاحب ۲۰ هزار جریب اراضی دولتی در مقابل یک هزار افغانی که شرح آن در بالا گفته شد.

۶- موضوع لت و کوب عبدالله بای.

۷- دوسیه قتل زردک نام که تا کنون لاینحل مانده است.

۸- غضب زمین‌های مزروعی مردم قریه شور که در نتیجه تمام آنان به دهقانان این خان بزرگ درامدند.

۹- غضب زمین وزیر خان که در برابر یک خدمت به‌صورت مکافات از دولت گرفته بود و بعداً تمام عرایض وی در موضوع ناشنیده باقی ماند.

۱۰- تصرف زمین قباله وی پسر ملا مقدس در سال ۱۳۴۴.

۱۱- قبولی ساختمان تعمیر یک مکتب در سال ۱۳۳۶ و رد اثر آن به دست آوردن منال معارف. ولی هنوز ۱۲ سال از تعهد او می‌گذرد مکتب تکمیل نشده و کار آن به‌منظور اینکه نباید مردم دهقان از نور معارف بهرمند شوند، قصداً به تأخیر افتاده است.

۱۲- غضب سرای مولوی اکرام الدین در سال ۱۳۳۶ و ماندن دوسیه او بدون اجرااات.

۱۳- لت و کوب حاجی بازار و غلام محی‌الدین و دور وجه حاجی بازار در سنبله ۱۳۴۷ و بی‌نتیجه ماندن عرایض و دوسیه آن.

این بود شمه از ستمگری یکی از متنفذین چاه آب که با اختصار تذکر رفت. از اینجا فرزندان صدیق خلق ستمکش افغانستان درک کرده می‌توانند که در این کشور چه می‌گذرد و مسئول این وضع کی ها اند.

(کارگر)»

(د دوهم مخ نه)

دوه جوالیان

ددی بی ارتباطه خبری له اوریدو سره سم، په سهراب باندی دخندی داسی لیونی څپه راغله چه کوکی یی نه خولی ووتی بډوډی یی ونیول. یو دکاندار چه دوی ته نیږدی په خپل دکان کی ناست و، په غصه شو. ددکان خولی ته راغی او چیغی یی کړی:

احمقانو څی اوکه درکته شم!

سهراب خواب ورنکړ، خو خپلی غصه ناکی سترګی یی ور واړولی او سمدستی مخ په بازار روان شو. پردل هم راپاځید، کافی یی وځنډل او په سهراب پسی راغی. سهراب مخامخ دمنډیی دلویی دروازی په سماوت ننووت، برسرتیر شو او دتخت دپاسه په پوزکی باندی اوږدوغځیده. پردل هم راغی اوده ته نیږدی په یوه تیاره ګوټ کی پټه خونه کیناست. یوه شیبه ورسته، دسماوات شاګرد سهراب ته ودرید:

څه شی خوری؟

سهراب چی سترګی یی لکه دښیښی غبرګی مری، دتور لنګوټی ترولونو لاندی بریښیدلی، په درانه او کرار أواز خواب ورکه:

زه ورسته ډوډی خورم.

شاګرد داخل پردل ته ودریده:

ته څه شی خوری؟

ما هیڅ ندی ګټلی، زه یی نه خورم.

نو دلته د څه لپاره راغلی یی؟

سهراب په دی وخت کی را په ډډه شو. نسواری توکړلأاو دسماوات شاګرد ته یی وویل:

پری یی ږده پیسی نلری!

دسماوات شاګرد، دسهراب دریملګرتوب ونه مانه، پردل ته پسی کلک شو اوولاړه یی که. څوځنګه چی هغه لټیدو ته قابو شو، دبالاپوش لمنی ته یی دسهراب منګولی ورسیدی، دی یی بیرته کیناوه او دسماوات شاګردته یی په ترخه غاړه وویل:

ورشه خناوره، یوه چاینکی ورته راوړه.

له همدی خبری سره یی دلسو روپیو نوی کاغذ له ملا رایوست او ور وایی چاوه.

ډوډی په چوپیاکی خوړل شوی وه. ګوره چه زلمیو جوالیان به یودبل به باره کی څه چرتونه وهلی وو او خدازده چه دمست سهراب دخندا وو کارونه ولی تم شوی و. ولی ی پردل ته خیر خیر کتل او دهغه له زړی قرهقلی نه یی نظر نه غړوه. کله چه سهراب دچای ورستی پیاله جګه کړه، پردل وتوخید او یوه نری مسکایی په شوندو او بار خوګانو باندی وځغلیده. ښایی دی به له دی سړی چوپیانه په تنګ شوی و او غوښتل به یی چی دادغم کمبله ټوله کړی.

سهراب ورته وخندل اووی ویل:

وایه، څه دی په زړه کی ګرزی؟

که ستا خوښه وی زه به ووزم، که کارپیدا شی ستا پیسی به...!

(نوربیا)

حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پرچم

د افغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۲ حوت ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

انگلستان با کمک نظامی خود

به اسراییل چانس حل سیاسی پرابلم شرق میانه را از بین می‌برد

تجربه ثابت کرده است که اسراییل زمانی به اعمال تجاوز کارانه خود می‌افزاید که از دریافت کمک نظامی از یکی از کشورهای امپریالیستی اطمینان حاصل کند. چنانچه همین اکنون که حکومت بریتانیه آمادگی خود را برای دادن کمک نظامی به اسراییل اعلان نموده، تجاوزات اسراییل بر کشورهای عربی شدت اختیار کرده است. بمباردمان اسراییل بر طرف شهر دمشق و تشدید بمباران اردن به شکلی از اشکال نتیجه اطمینانی است که از درک امداد نظامی بریتانیه حاصل نموده است.

درحالی‌که مساعی در راه پیدا نمودن طرق حل سیاسی پرابلم شرق میانه هنوز بجایی نرسیده است، اعطای کمک نظامی از طرف انگلستان به اسراییل افاده صریح این حقیقت است که انگلستان به حیث مسئول عمده ایجاد پرابلم فلسطین باز سو نیت دیرین و خصوصیات آشتی ناپذیر خود را با جهان عرب و جنبش آزادی بخش ملی اعراب نشان داد.

امپریالیزم بریتانیه می‌خواهد به این عمل خصمانه خود بحران شرق میانه را دایمی سازد و از حل مسالمت آمیز آن جلو گیری نماید؛ و از این راه منافع خود را در شرق میانه حفظ و بازاری برای فروش اسلحه خود تهیه نماید، وی باید دانست که امپریالیزم دیگر چانس ندارد جلو پیروزی حتمی جنبش ملی اعراب را بگیرد. اعراب در مبارزه خود تنها نیستند.

نماینده نیروی نظامی و بیداری اعراب را با قبل از ماه جون ۱۹۶۷ اشتباه نمود. هرگاه این بار آتش جنگ در شرق میانه مشتعل شود، تمام پلان‌های امپریالیزم و محصول آن یعنی دولت اسراییل را طعمه حریق خواهد نمود و امپریالیست‌ها آخرین پایگاه‌ها و تکیه گاه‌های خود را در ناحیه برای همیشه از دست خواهند داد.

کنفرانس پاریس و تحریکات

امپریالیزم در جنوب شرق آسیا

کنفرانس پاریس علی الرغم توقعات افکار عامه جهان روش توطیه آمیز و کارشکنی امپریالیزم و رژیم سیگونی هیچ نوع پیشرفت حاصل ننموده است. از بیانیات نماینده امریکا جنین بر میاید که واشینگتن و سیگون حاضر نیستند تعرض در ویتنام به‌طور کامل خاتمه یابد.

تشدید فعالیت هوای و زمینی در ویتنام جنوبی و ادامه تجاوز بر حاکمیت ملی ویتنام شمالی، لاوس و کمبودیا این نیت سو آن‌ها را به اثبات می‌رساند.

امپریالیزم مداخلات خود را در امور داخلی لاوس افزایش داده، نزاع داخلی را در آن کشور دامن میزند و به‌طور آشکار خصومت علیه نیروهای دموکراتیک لاوس را تحریک می‌نمایند.

حکومت کمبودیا از اعمال تحریک آمیز امپریالیزم امریکا در سرحدات آن کشور شکایت می‌نماید. در اثر آتشباری‌های پیهم بر سرحدات کمبودیا تلفات مالی و جانی زیادی بران کشور وارد می‌آید.

حکومت امریکا همواره تهدید می‌نماید که اگر نیروهای جبهه آزادی ملی از شدت عملیات خود نگاه به عملیات بالمثل دست خواهد زد، و بمباردمان ویتنام شمالی را بار دیگر آغاز خواهد کرد.

از حقایق فوق چنین بر میاید که امپریالیزم ارتجاع حاضر نیستند به ندای عقل گوش دهند و جنگ ظالمانه را که خود آغاز نموده‌اند خاتمه دهند.

در این صورت مردم ویتنام هیچ چاره جز ادامه جنگ تا سرحد پیروزی و اخراج قهری نیروهای اجنبی از سرزمین خود نخواهد داشت و مسؤولیت تمام عواقب ناشی از ادامه جنگ بدوش امریکا و پیروان آن خواهد بود.

پیروزی‌های جدید مردم پیرو

در راه استقلال اقتصادی

جنبش آزادی بخش ملی ضد امپریالیستی در امریکا لاتین اوج می‌گیرد و علی رغم تهدیدات و مشکلاتی که امپریالیزم در راه آن ایجاد می‌کند، به پیروزی‌های جدید نایل می‌گردد.

حکومت پیرو در برابر سودهای هنگفت و غارتگرانه که انحصارات امپریالیستی از بابت منابع نفتی آن کشور به دست آورده‌اند، صنایع نفت خود را ملی کرد و مالکیت امریکای ها را که بالغ به ۷۰۰ ملیون دالر می‌شود در بدل قرض داری‌های امریکا بر آن وارد می‌شود، اظهار داشت: «قراری که اسناد امریکای ها در بانک‌های پیرو مطالعه گردید تا حال امریکایان ۵ میلیارد دالر ما را از درک نفت غارت کرده‌اند.

امریکا می‌خواهد ما را مانند کیوبا به محاصره بکشاند. امریکا ما را تهدید می‌کند که شکر ما را نخواهد خرید،

باید گفته شود که این بزرگ‌ترین اشتباه امریکاست، ما بازارهای دیگری داریم گه شکر ما را خریداری کنند. امریکا نمی‌تواند با این تاکتیک‌ها ما را از هدف ما منحرف سازد.»

ریس جمهور پیرو مزاید اظهار نمود: «در قرنی که ما زندگی می‌کنیم به کسی اجازه داده نخواهد شد با ما مانند مستعمره رفتار کند.»

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

د یوه گنی بیه: ۲/۵ افغانی

(مطبعه دولتی)

تایپ متن: مارینا یارمل، ویرایش جدید: عمر فیض

خاطره زنان قهرمان جهان!

عصر ما، عصر انقلاب‌های خروشان رهای بخش ملی و اجتماعی، عصر شکستاندن زنجیرهای بردگیست. موج‌های نیرومند مبارزه قهرمانانه زنان دوشادوش مبارزه دلیرانه مردان، طومار سیستم استعمار و تبعیض را در هم می‌پیچد و ارکان ارتجاع و امپریالیزم را از هم فرو می‌پاشد، هر روز توده‌های عظیم خلق چپان با در دست داشتن مشعل فروزان و درفش گلگون ایدیولوژی زحمتکشان، به خاطر تأمین صلح، کار، آزادی ، برابری ، خواهری و برادری و نیکبختی بسیج می‌گردند و در پیکار شرافتمندانه خود تا پیروزی نهایی به‌پیش می‌روند. مبارزه زنان ملل جهان که نیم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، و بیش از مردان تحت زنجیر بردگی ظالمانه ارتجاع و امپریالیزم قرار دارند، هنوز به پایان نرسیده است. تا کنون تنها در کشورهای سوسیالیستی است که زنان از تمام حقوق و آزادی‌های اجتماعی برخوردارند؛ و موفق به پاره کردن زنجیرهای اسارت شده‌اند. زنان پیشاهنگ جهان سرمایه‌داری و زنان کشورهای کم رشد آسیا، افریقا و امریکای لاتین از زنان قهرمان چون روز انگزامبورگ، کرپنسکایا، کارتنی ۲ زویا، جمیله، ملالی و هزاران زن شیر دل دوران معاصر که در زیر شلیک آتش دشمن در ویتنام ، در دشت‌های سوزان عرب ، در اعماق جنگل‌های افریقا می‌جنگند، الهام می‌گیرند ۲ مبارزه می‌کنند و به پیروزی نزدیک می‌شوند و در بعضی از این کشورها به مؤفقیت‌های هم رسیده‌اند.

اینک در کشور ما بعد از دوره نهضت امانی ، زنان افغانستان نیز علی رغم سلطه و تفتین ارتجاع سیاه دلیرانه در جاده مبارزه برای کسب حقوق و آزادی کامل پا نهاده‌اند.

تاریخ مبارزات زنان افغانی در جنگ‌های عادلانه رهای بخش ملی ضد استعمار، تاریخ پرشور و الهام بخشیست برای نهضت اخیر زنان کشور و سازمان دموکراتیک افغانستان.

زنان آگاه دموکراتیک افغانستان با وصف دشواری‌های عظیم احساس مسؤولیت می‌نمایند تا در کنار مردان رنجدیده و مبارز خلق کشور و تمام نیروهای وفا دار به ارمان های والای خلق، مبارزات دلیرانه خود را به خاطر صلح، دموکراسی ، آزادی، ترقی، برابری و عدالت تا آخرین لحظات زندگی ادامه دهند.

این احساس موجز به خاطر سده زن همرزم آن سیمای درخشان صلح و انقلاب و به مناسبت خاطره زنان قهرمان جهان ابراز گردید.

جمیله (ناهید)

از (ص ۲)

نباید از اعتزافات ...

تاریخ را تحریف نمایند. ولی نیروی دموکراتیک خلق افغانستان که پرچم نبرد ضد نیروهای ارتجاعی و امپریالیزم را بر افراشته و طبعاً خصومت و نفرت پر افتخار این نیروهای نابکار را به‌سوی خود جلب کرده است. اکنون دیگر به حد کافی در نبردها آماج تیرهای زهرآگین و ضربات و دسایس و تعقیبات قرار گرفته است که هیچگاه از این نیش‌ها موش‌ها متأثر نمی‌شود و علی رغم دشنام دادن و تهمت زدن به پیکار عادلانه' پیگیر و بی‌امان خود' بکار خود در مورد انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات و افشای بی‌رحمانه نواقص خویش- که رشد و تکامل جنبش رهایی بخش دموکراتیک و خلقی و جنبش کارگری آن‌ها را حتماً و جبراً رفع کرده و در آینده نیز آن را رفع خواهد نمود' ادامه می‌دهد.

بگذار آقایان مخالفین که بخصوص در عرصه دو سال اخیر جز ریختن آب در آسیاب ارتجاع و امپریالیزم کار دیگری نداشته‌اند که نو برای امتحان باشد ۲ اقلاً اشاره و تصویر کوچکی از اشتباهات و خطاهای سنگین خود را به ما نشان دهند.

یکبار دیگر به خاطر میاوریم که علت زوال همه احزاب انقلابی که تا کنون از میان رفته آن بوده است که مغرور شده بودند و نمی‌توانستند ببینند قوت شان در چیست' می‌ترسیدند راجع به سستی‌های خود سخنی به زبان آرند. ولی ما از میان نخواهیم رفت زیرا از به زبان راندن سستی‌های خویش بیم نداریم و رفع سستی را خواهم آموخت.

آیا این اصل خلاق کافی نیست که عناصر صدیق مترقی و پیشرو که به ایدیولوژی طبقه کارگر وفادارند' بدون ترس و شرافتمندانه به اشتباهات خود اعتراف کنند و در چهار چوب اصول انتقاد و انتقاد از خود را در میان خویش به‌عنوان اسلوب آزمایش کار و طریقه کشف و رفع اشتباهات و نواقص و پرورش صحیح رهبران و کادرهای انقلابی با تمام قوا بسط و توسعه دهند. تا بدین ترتیب نظریات تمام نیروهای ترقی خواه کشور" بدون وارد ساختن مسایل شخصی و نظریات خصوصی" روشن شود امکان قضاوت بی‌طرفانه و عینی و مشخص‌تر نسبت به مسایل جنبش رهای بخش ملی و اجتماعی دمکراتیک و خلقی افغانستان برای همه مبارزان فراهم گردد.

در خاتمه این بحث لازم میدانم تذکر دهم که کم بها دادن و بی‌اعتنایی به خطر واقعی تعرض نیروهای ارتجاعی اشتباهی است بزرگ. لذا برای جلو گیری از تعرض متقابل نیروهای حاکمه ارتجاعی بخصوص دست راستی بیش از همه باید وحدت تمام عناصر' محافل' گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی چپ و دموکراتیک جامعه تعین گردد.

وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک ترقی خواه و وطن پرست و تنظیم پلاتفرم دموکراتیک مشترک در برابر سیاست دسیسه آمیز و تعرض ارتجاع " بخصوص اینکه انتخابات دوره سیزدهم شوروی نزدیک است" به یک ضرورت مبرم مبدل شده است. فقط یک چنین پروگرام علمی مشترک" که در آینده نزدیک آن را به پیشگاه خلق طرح خواهیم کرد" و مبارزه مشترک ضد ارتجاع و امپریالیزم است که به تمام نیروهای چپ و دمکراتیک ترقی‌خواه و وطن پرست کشور امکان خواهد داد تا با اشتباهات' نقایص و نقاط ضعیف و سستی سیاسی کنونی و فقدان وحدت و اتحاد و همبستگی خاتمه دهند و نیرو و رزمندگی بیشتری به دست آورند و به ارتجاع و امپریالیزم شجاعانه یورش برند و پرچم نبرد قهرمانانه خلق افغانستان را سر بلند نگهدارند.

از (ص اول)

استفاده‌های سؤ از معافیت‌های ...

انحصارات غارتگر امپریالیستی و تاجران دلال خارجی در افغانستان با استفاده از پیوندهای گوناگون و بکار بردن نیرنگ‌های ،، ظریف،، تجارتی در امر واردات اموال استهلاکی دوایر و مؤسسات دولتی و بخصوص پروژه‌های ساختمانی دست قوی دارند. به‌طور مثال کسانی که در امور مربوط واردند می‌دانند که نمایندگی‌های زیمنس و هوختیف ، و غیره چقدر اموال را بنام بعضی پروژه‌ها ، معاف از محصول وارد و بفروش رسانیده‌اند.

هنوز گریز ماهرانه و رسوای منجر نمایندگی غارتگر تالاف در سال جاری با مبالغ گزاف اسعار کشور که نامبرده با دوایر و مؤسسات دولتی ارتباط عمیق و در بسیاری اختلاس‌ها، قاچاق‌ها و غیره دست در خاطره‌ها باقیست.

مشروبات قیمتی و اموال خیلی تجملی که برای محافل تشریفاتی ، مهمانی‌های رسمی و غیره به‌طور خاص وارد می‌گردد ۲ رقم بالنسبه درشتی را در واردات کشور تشکیل می‌دهد.

از آنجایی که بخش بورژوازی بزرگ کشور از اوان پیدایش بنا بر تعقیب سیاست نادرست اقتصادی حکومت‌ها در افغانستان فاسد گردیده و خصوصیت ملی را نتوانست کسب نماید، عده از آن‌ها با استفاده از امتیازاتی که برای سرمایه گذاران در امور صنعتی موجود است و من‌جمله اینکه اموال کار آمد مؤسسات صنعتی به شمول مواد خام وارده از خارج از محصول معاف می‌باشد، مرتکب سو استفاده‌های می‌گردند. کسانی که در امور تجارتی کشور وارد هستند می‌دانند که هم اکنون عده از تاجران بزرگ که در عین حال مؤسسات کوچک صنعتی را نیز اداره می‌نمایند، برخی از اموال ، بخصوص آن اجناس را که دارای بازار خوب‌اند، بنام مواد خام صنعتی معاف از محصول وارد کرده و بار دیگر در داخل و خارج کشور بفروش می‌رسانند و از این طریق ثروت‌های را هنگفتی را به دست میاورند.

همان‌طوری که کار قاچاق بری در تمامی امور اقتصاد کشور راه خود را باز کرده است و کار آن به‌طور روزافزون بالا می‌گیرد، اکنون در امور صنعتی کشور نیز جای پای برای خود باز می‌نماید که در اینجا به جزییات مسأله نمی‌پردازیم؛ اما آنچه مسلم است اینست که مقامات حاکمه افغانستان به هیچ وجه بی‌خبر از این جریانات و غارتگری‌های که صورت می‌گیرد نیستند. چه‌بسا که خود مشوق و همکار آنان نیز می‌باشد.

بنا بر آن تصادفی نیست که کار تجارت و اقتصادیات کشور رو به این آشفتگی اقتصادی خاتمه داده شود. ولی باکمال تأسف باید اظهار داشت که حکومت‌های افغانستان بنا بر ماهیت موجود طبقاتی‌شان نمی‌توانند جلو چنین خود سری‌ها و اعمال خرابکارانه را در زمینه تجارت خارجی کشور بگیرند.

س.ک

وزیر خارجه پیرو در برابر رویه تهدید آمیز امریکا گفت: «ما با هر کشوری که خواسته باشیم روابط سیاسی و اقتصادی برقرار می‌نمایم، قرار معلوم مردم امریکای لاتین از حکومت پیرو پشتیبانی می‌نمایند. سازمان‌های دموکراتیک زنان، جوانان و روزنامه نگاران و بسیاری از سازمان‌های دموکراتیک دیگر مکسیکو طی پیامی به حکومت پیرو گفته‌اند که،، درود گرم ما را قبول کنید، شما در این مبارزه خود تنها نیستید. تمام کشورهای صلح دوست و کشورهای سوسیالیستی با شماست، ایستادگی خود را به مقابل امپریالیزم امریکا ادامه دهید. ضربات هلاکت بار خود را بر امپریالیزم امریکا وارد کنید. از هیاهوی دشمن نترسید. ما شجاعت شما را در برابر امپریالیزم که سال‌هاست شما را غارت می‌کند، ستایش می‌کنیم!»

قرار راپور خبرگزاری مختلف حکومت پیرو نسبت روش امریکا به مؤسسات بین‌المللی شکایت نموده است.

از (ص اول)

د مارچ داتمی نیټی ...

دافغانستان پوه ښځی پوهیږی چه دښځو له متحدی مبارزی پرته (صرف نظر له سیاسی تمایلاتو او اجتماعی نظریاتو) نشی کیدای چه واقعاً خپلو اجتماعی او سیاسی حقوقوته ورسیږی او دا جهنمی ژوند پای ته ورسوی.

دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت عقیده لری چه دافغانستان دشرافتمند و ښځو له آزادی، نه پرته چه زمور دهیواد دخلکو نیمایی ته رسیږی، ازاده اجتماعی نشی موجودیدلای.

دافغانستان درنوښځو!

دخپلو دموکراتیکو حقوقو او آزادیو دتحصیل لپاره مبارزه وکړیء.

په دی مقدسه مبارزه کی دافغانستان دخلک دموکراتیک قوت ستاسو ملاتړ دی.

دا سمه ده چه دافغانستان توره ارتجاع وحشی ده، مگر دمبارزه پیاوړی امکان هم شته دی.

زمور دزړه له کومی په ستره شخړه کی دافغانی ښځو بری نه هیله من یو او په هغه باندی پوره ایمان لرو.

نیکمرغ دی وی دمارچ داتمی ورځی جشن، دټولی نړی _دښځو دآزادی او پیوستون جشن.

از (ص اول)

به مناسبت روز بین‌المللی ...

زنان آگاه افغانستان مستشعرند که بدون مبارزه متحد زنان (صرف از نظر تمایلات سیاسی و نظریات اجتماعی) نمی‌توان واقعاً به حقوق اجتماعی و سیاسی خویش نایل آمد و با ین زندگی جهنمی خاتمه داد.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان معتقد است که بدون آزادی زنان شرافتمند کشور که نصف از جمعیت خلق کشور ما را تشکیل می‌دهد نمی‌توان اجتماع آزاد به وجود آورد.

زنان ارجمند افغانستان!

برای تحصیل حقوق و آزادی‌های دموکراتیک خویش مبارزه کنید. در این مبارزه مقدس نیروی دموکراتیک خلق افغانستان پشتیبان شماست. درست که ارتجاع سیاه افغانستان وحشی است، ولی امکان مبارزه هم قوی وجود دارد.

ما پیروزی زنان افغانی را در نبرد عظیم از قلب آرزومندیم و به پیروزی آنان ایمان کامل داریم.

فرخنده باد جشن هشتم، جشن آزادی و همبستگی زنان سراسر جهان!

(ص ۳)